

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

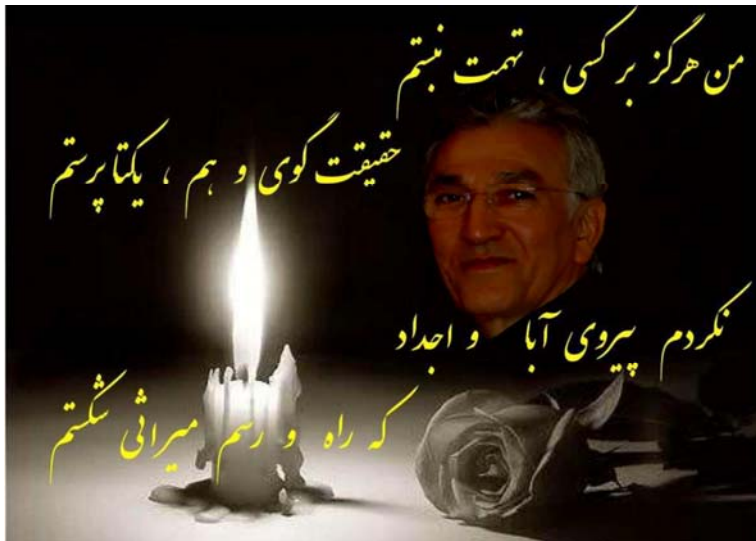
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده

۱۸ نومبر ۲۰۱۸



مخمسی بر سروده لاهوتی

وجد گفتار

خداوندا! تو غفاری و یا قهار، یا هردو؟ انیس و مونس ابرار، یا اشرار، یا هردو؟
جهان در اضطراب از نور و یا از نار، یا هردو؟... وطن ویرانه از یار است و یا اعیار، یا هردو؟
مصیبت از مسلمانهاست، یا کفار، یا هردو؟

سخن از خدمت عالم به نظم و نثر میرانم صیاح و هر مسا، آیات وحدت نیز می خوانم
چو در قول و عمل، نرخ و متاع و وزن و میزانم همه داد وطنخواهی زنند، اما نمی دانم
وطن خواهی به گفتار است و یا کردار، یا هردو؟

تحریر حقیقت، دین و ایمان میکند ایمن که عالم را فقط پاک و وجدان میکند ایمن

جهان را صرف وحدت بین انسان میکند ایمن وطن را از خطر فکر و کیلان میکند ایمن
و یا سرنیزه یک لشکر جرار، یا هردو؟

وطن را کرزی شاید شیطان داد بر دشمن وطن را کرد زخمی و پریشان داد بر دشمن
وطن را مکر رهبر های نادان داد بر دشمن وطن را فتنه مسند نشینان داد بر دشمن
و یا این مردم بی دانش بازار، یا هردو؟

عدالت را، شقاوت بسته چون زندانیان محکم رفاقت بست کرزی ناگهان با طالبان محکم
نمک خورد و نمکدان را شکست از این و آن محکم کمند بندگی بر گردن بیچارگان محکم
ز بند سُبجه شد یا رشته زُناز، یا هردو؟

جهان آباد شد از زحمت و ایشار زحمتکش ولی کس می نداند قدر و پاس کار زحمتکش
چرا هر جانی و زانی، پی آزار زحمتکش به قتل و غارت دهقان و استعمار زحمتکش
فقط مسجد بُود بانی و یا دربار، یا هردو؟

ز بهر طالبان کرزی، تعامل میکند عمداً و با اشرف غنی خپ خپ، تناسل میکند عمداً
مشاور نیز با ایشان تجاهل میکند عمداً وکیل از خدمت ملت تغافل میکند عمداً
و یا باشد وزیر از مملکت بیزار، یا هردو؟

پس از این، کرزی یا! نام ترا خُفاش میگویم ولی (اشرف غنی) را، چاکر اوباش میگویم
معاونهای جانی پی ترا، بد ماش میگویم و کیلان و وزیرانند خائن، فاش میگویم
اگر در زیر تیغ یا به روی دار، یا هردو؟

به «نعمت» گوشه چشمی، روا میدار، لاهوتی! پسند خاطر از «نعمت»، نما اشعار، لاهوتی!
که «نعمت» را به وجد آورد این گفتار، لاهوتی! تو را روزی به کشتن میدهد ناچار، لاهوتی!
زبان راستگو یا طبع آتشبار، یا هردو؟

وحد کفتار

خداوند! تو غفاری و یا قهار، یا حردو؟
 انیس و مونس ابرار، یا اشرار، یا حردو؟
 جحان در اضطراب از نور و یا از تاری، یا حردو؟
 وطن ویرانه از یاد آست و یا اعنیار، یا حردو؟
 مصیبت از مسکنحاست، یا کفتار، یا حردو؟
 سخن از خدمت عالم به نظم و نشر میرانم
 چو در قول و عمل، نریخ و متاع و وزن و میزانم
 سخن از خدمت عالم به نظم و نشر میرانم
 چو در قول و عمل، نریخ و متاع و وزن و میزانم
 تحسری حقیقت، دین و ایمان میکند لیمن
 جحان را صرف وحدت بین انسان میکند لیمن
 وطن را کز زنی شیاد شیطان داد بر دشمن
 وطن را کبر رهبر نای نادان داد بر دشمن
 و یا سر نیزه یک شکر جسرار، یا حردو؟
 وطن را کرده زحسی و پریشان داد بر دشمن
 وطن را فتنه مسند نشینان داد بر دشمن
 و یا این مردم بی دانش بازار، یا حردو؟
 عدالت را، شتفاوت بسته چون زندانیان محکم
 نمک خورد و نمسکان را سنگت از این و آن محکم
 زبند سبج شد یا رشته زنده، یا حردو؟
 جحان آباد شد از زحمت و ایثار زحمتکش
 چسرا حرجانی و زانی، پی آزار زحمتکش
 و یا اشرف غنی خپ خپ، یا حردو؟
 ز بصیر طالبان کز زنی، تعادل میکند عمداً
 مشاور نیز با ایشان تجاہل میکند عمداً
 و یا باشد وزیر از مملکت بیسزار، یا حردو؟
 پس از این، کز زیا! نام ترا خفاش میگویم
 معانوسای جانی بی ترا، بدماش میگویم
 و یا به روی دار، یا حردو؟
 کر در زیر پنجم
 به «نعمت» کوشه پشسی، روا میدار، لاهوتی!
 که «نعمت» را به وجد آورد این گفتار، لاهوتی!
 پسند خاقر از «نعمت» نمانشمار، لاهوتی!
 تو را روزی به کشتن میدهد ناچار، لاهوتی!
 زبان راستگو یا طبع آتشبار، یا حردو!